



ویژه‌نامه طنز راه‌راه
را در شماره امروز
بخوانید

صفحات ۱۱ و ۶

تیتراژهای امروز

گزارش «وطن امروز» از مراسم تشییع پیکر استاد ابوالفضل زرویی نصر آباد

روی دوش بزرگان ادب



صفحه ۱۳

گزارشی درباره پولی شدن ورود به طرح زوج و فرد

اداره پایتخت با جیب مردم؟!

صفحه ۴

سرپرست سازمان تأمین اجتماعی خیر داد

پرداخت «بسته حمایتی» بازنشستگان

صفحه ۴

شکایت از شرکت جاسوسی اسرائیلی به‌خاطر همدستی در جنایت رژیم سعودی

خاشقجی:

بن سلمان، دیوی سیری ناپذیر است!

انتشار ۴۰۰ پیام واتساپی روزنامه‌نگار مقول عربستانی را قتل او توسط سعودی را آشکار کرد

صفحه ۱۵

رئیس قوه قضائیه: به خاطر لحن توهین آمیز وزیر خارجه انگلیس مقامات قضایی در خواست‌های مکرر او را برای دیدار نپذیرفتند

درس آیت‌الله به هانت و ظریف

وزیر خارجه انگلیس در جریان سفر اخیر خود به تهران و دیدار با محمدجواد ظریف، اگرچه دست خالی به کشورش بازگشت اما جواب اهانت‌های قبل از سفرش به ایران را نه از وزارت امور خارجه، بلکه از دستگاه قضایی ایران گرفت. به گزارش «وطن امروز»، جرمی هانت، وزیر خارجه انگلیس در آستانه سفر اخیر خود به ایران اظهارات توهین آمیزی درباره کشورمان مطرح کرد و با ادبیاتی غیرمسئولانه خواستار آزادی مجرمان ایرانی - انگلیسی شد. هانت در این باره اظهار داشت: اگر ایران بخواهد از شهروندان دوتابعیتی به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده کند، در این صورت تبعاتی برای ایران خواهد داشت و ما اجازه نمی‌دهیم قسر در برود. اگر ایران بخواهد در جامعه جهانی پذیرفته شود باید از زندانی کردن افرادی

مثل زاغری خودداری کند و آنها باید بفهمند این وضعیت پایدار نیست. اظهارات تند جرمی هانت در حالی علیه ایران مطرح شد که او در جریان سفر به تهران، فرزند زاغری، مجرم امنیتی را در سفارت انگلیس در تهران دید و از این دیدار خود نیز عکسی منتشر کرد تا سناریوی توهین خود به استقلال ایران را تکمیل کند. همزمان با سفر هانت به ایران و انجام این اقدامات ضد ایرانی انتقادات فراوانی به وزارت امور خارجه مطرح شد و از مقامات این وزارتخانه خواسته شد در راستای عزت ملی، مانع این رفتارهای توهین آمیز شده یا اینکه در مقابل آن اقدامی انجام دهند. با این حال اما از وزارت امور خارجه صدایی در مقابل رفتار توهین آمیز وزیر خارجه انگلیس شنیده نشد.

صفحه ۲ را بخوانید

«وطن امروز» از تبعات افزایش هزینه تولید گزارش می‌دهد

شاخص‌ها و آینده قیمت‌ها

صفحه ۳

وزیر بهداشت شرایط این روزهای واردات و تولید دارو در کشور را تشریح کرد

داروی ایرانی بخورید و مطمئن باشید

صفحه ۴

نگاه

اگر اهل فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باشید، حتماً دیده‌اید که این روزها تمام کانال‌ها و صفحاتی که «با روحانی تا ۱۴۰۰» ورد روز و شبشان بود، تبدیل به منتقدان سرسخت دولت شده، وقت و بی‌وقت به طعن و تمسخر دولت می‌پردازند! اوضاع غریبی است. همین روند را عیناً در سطح رسانه‌ها و نشریات مکتوب هم می‌بینیم. قدر مسلم، پشیمان شدن یک فرد از رأیی که به آقای روحانی داده، حق روشن اوست و به جای هم بر نمی‌خورد. با این حال، رسانه، شهرساز و چهره‌های معروفی که جمع قابل‌توجهی از جامعه را مجاب به انتخاب مجدد آقای روحانی کرده‌اند، نباید اینقدر در قبال عملکرد خود بی‌مسئولیت و فریبکار باشند. «محمد عطریانفر» از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب اخیراً گفته است: «خالی کردن پشت دولت ناجوانمردی است». این حتماً حرف دقیق و حقی است.

نمی‌شود کلیت جامعه به تبع پیروی از این کانال‌ها، صفحات، چهره‌ها و رسانه‌ها، هم جوب را بخورد و هم پیاز را، ولی گردانندگان این کانال‌ها در هر شرایطی سسر دیگ کباب باشند! دیروز توییچ مخاطب به حمایت از روحانی، نان و کباب داشت، حالا زدن دولت و روحانی نان دارد، لذا دسته‌جمعی بنا کرده‌اند به طعن و لعن دولت. رئیس‌جمهور چندی پیش با انتقاد از همین رویکرد گفته بود: «تقد بیش از حد مفید نیست» شروع‌کننده این

این «چرخه فریب» خواهد شکست!

حسن رضایی

روند هم تا جایی که یادم می‌آید، مسؤول دفتر رئیس دولت اصلاحات، «محمدعلی ابطحی» بود که خود سعی دارد بیشتر به عنوان شخصیتی اخلاقی در بین مخاطبانش جلوه کند! وی یک سال قبل، به تاریخ ۷ آذر ۹۶، تداوم حضور جهانگیری در دولت را تلویحاً مانع فریب مجدد مردم در سال ۱۴۰۰ دانسته بود. ابطحی طی گفت‌وگویی تأکید می‌کرد: «در رابطه با حضور جهانگیری در انتخابات آینده تصور من این است اگر کاندیداتوری جهانگیری قطعی است باید از دولت روحانی جدا شود و فاصله بگیرد، چون شرایط بهتری برای رای آوردن خواهد داشت... اگر آقای جهانگیری خودش را از دولت فعلی کنار بکشد می‌تواند تنها پاستخگوی کارهای خودش باشد!» در یک فضای رسانه‌ای منصفانه و اخلاقی، این نوع موضع‌گیری غیراخلاقی، منفعطلبانه و ضدملی طبعاً باید در همان مقطع، واکنش‌های بسیاری را برمی‌انگیخت و ابطحی را مجبور به عذرخواهی می‌کرد. این مواضع ضداخلاق اما بین انبوه خبرهای برجاسی و زرد دیگر گم شد. همین سکوت رسانه‌ای در برابر این رویکرد ضداخلاقی، باعث شد بعدها فردی نزدیک‌تر به محمد خاتمی هم برای ما روشن کند چنین رویکردی به سیاست،



عکس: امیر زین‌العابدین وطن امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر محمدحسین رجیبی دوانی درباره مطابقت‌ها و مغایرت‌های مذاکرات هسته‌ای دولت با مبانی اسلامی

باید مثل صلح حدیبیه مذاکره می‌کردیم

صفحه ۵

از موثرترین افراد در نگارش برنامه‌های اقتصادی کشور از سال ۶۸ تاکنون، اخیراً پس از سرپا کردن ماشین اقتصاد مملکت در ۵ سال گذشته (!) ضمن کناره‌گیری از دولت، در مصاحبه‌ای با یک نشریه اصلاح‌طلب - که بیشتر به رپرتاژ آگهی شباهت دارد- سعی کرده هر گونه مسؤولیتی پیرامون وضع فعلی اقتصاد- و نه از ۶۸ به این سوا - را هم از خود سلب کند. بدل نیلی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، محیط‌زیست و ... را هم به وفور در میان همین طیف داریم. محمد خاتمی که ویدئو را هم ممنوع کرده، حالا یگانه پرچمدار آزادی است! عیسی کلانتری که محیط‌زیست را آباد کرده(!)، هر روز نسبت به وضع بد آن به ما هشدار می‌دهد! حسن روحانی که روزی خواستار اعدام خائنان در نماز جمعه بوده هم، حالا مدعی آزادی بیان است! لیبرال‌هایی چون عباس عبدی، تاج‌زاده و حجاریان هم که سرتاسر دهه ۸۰ را با سه محاق بردن امر اجتماعی، به سیاسی‌بازی بلندم‌جور پرداخته‌اند، حالا منادی فروپاشی اجتماعی شده‌اند! این چرخه فریب اما یک جا خواهد شکست و سبقت گرفتن اصلاح‌طلبان از هم در طعنه و نیش زدن به دولت، ناشی از همین ترس است. ترسی که به آنها می‌گوید یه رفیق! ۱۴۰۰ آندا روی هم رفته، طعن و کنایه‌های رسانه‌ها، شبه‌رسانه‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلب به دولت در این روزها را نباید چندان جدی و محض رضای خدا دانست. آنها در کمین فریبی دیگر در ۱۴۰۰ هستند؛ همین!



یادداشت امروز

تغییر DNA سیاست داخلی در ایران

مهدی محمدی

حدود یک ماه مانده به زمستان ۹۷، دولت آمریکا در رسیدن به هدفی که ابتدای سال تعریف کرده بود، سخت ناکام مانده است. در واقع می‌توان گفت ایران بدون اینکه هنوز از هیچ یک از دارایی‌های راهبردی خود استفاده کرده باشد، شوک اول را -که بزرگ‌ترین شوک هم بود- پشت‌سر گذاشته است. دولت آمریکا، با وقوف به اینکه نتوانسته هیچ‌به‌هیچ‌ریختگی تعیین‌کننده‌ای در ایران خلق کند، اخیراً از ادبیات «فروپاشی» کوتاه آمده و مرتب تکرار می‌کند برنامه فشار علیه ایران در بلندمدت جواب خواهد داد. تا اینجا یعنی در بهترین حالت، دولت ترامپ به وضعیت نخستین سال‌های دولت اوباما بازگشته است. در همین چند هفته، تحلیلگران مهمی در آمریکا به سیاست‌گذاران دولتی تذکر داده‌اند که چیزی به نام «فشار بلندمدت» وجود ندارد، چرا که هر چه از شوک اولیه فاصله بگیریم، ایران توانایی تطابق خود با الگوهای فشار را بیشتر خواهد کرد- در این کار بسبب‌بسیار ماهر و مجرب هم هست- و از شدت و تأثیرگذاری آن خواهد کاست. به این ترتیب، چیزی که در بلندمدت رخ می‌دهد سازگار شدن با فشارها و خنثی‌سازی عملی اثرات آنهاست، نه انباشت خطی تأثیرات فشارها. از منظر سیاست داخلی که بنگریم، دولت ترامپ به سازمان و گفتمان جریان غربگرا در ایران ضرباتی تاریخی وارد آورده است. گفتمان‌های «همه مسیرها به آمریکا ختم می‌شود» و «گره اقتصاد فقط با بهبود سیاست خارجی (بخوابید مذاکره با آمریکا) گشوده خواهد شد»، اکنون در ایران به درد شوخی و خنده هم نمی‌خورد. در دولت اوباما هم وضع چندان بهتر نبود اما واقعیت آنچه در اقتصاد و سیاست خارجی می‌گذشت با مهارت از چشم مردم پنهان نگه داشته می‌شد و غربگرایان ایرانی می‌توانستند با استناد به ظواهر امور، وضع را خوب یا رو به بهبود جلوه بدهند. ترامپ امکان این ظاهرسازی را از بین برد و امکانات و توانایی واقعی معامله با آمریکا به عنوان معضای جادویی غربگرایان برای جلب نظر افکار عمومی در ایران را فاش کرد. اکنون دیگر کسی نمی‌تواند با اهرم مذاکره با آمریکا جامعه ایرانی را شش‌طی کند و محاسبات آن را دربارۀ منافعش به هم بریزد. تقاضای مذاکره با آمریکا و ارتقا دادن آن به یک هیاهوی سیاسی، و حتی اجرای عملی آن، دیگر آنقدرها جذاب نیست و شوقی در مردم- حتی آنها که چندان دل‌خوشی از جمهوری اسلامی ندارند- بر نمی‌انگیزد.

هواداری از مذاکره و معامله با آمریکا دیگر در ایران یک شوک سیاسی نیست، اگر نگوئیم به نوعی ناسازی سیاسی تبدیل شده و به جای خوشحالی، خنده‌ای از سر تمسخر برمی‌انگیزد. زوال تئوری مذاکره، DNA سیاست داخلی در ایران را تغییر داده است. پس از حدود یک دهه، سیاست داخلی از اسارت سیاست خارجی خارج شده و دیگر برای جریان‌های سیاسی دویزه اصلاح‌طلبان غربگرا مقدر نیست ضعف‌های مدیریتی و توانایی خود در اداره کشور را با معضای جادویی مذاکره با آمریکا محو کنند و رقابت‌های سیاسی را با تمرکز روی ضرورت مذاکره با آمریکا طبعی کنند. همه این رانته‌های روانی برای غربگرایان ایرانی از میان رفته است. طبقه متوسط جدید در ایران به جای توان معامله با آمریکا روی توان اداره کشور از سوی غربگرایان تمرکز کرده و این شاخصی است که اگر تثبیت شود، آغاز زوال بلندمدت غربگرایان خواهد بود. تا همین ۲ سال قبل، حسن روحانی با هر کس دیگری با مشخصات او می‌توانست رقیبی مثل محمدباقر قالیباف (یا هر اصولگرایی دیگری) را در دوقطبی تعامل- انزوا و مذاکره با آمریکا یا مخاصمه بسا آن، گیر بیندازد اما حالا صرفاً با ترازوی توان اداره کشور سنجیده خواهد شد.

زوال غربگرایی در ایران زمانی حقیقتاً آغاز خواهد شد که مجبور باشد به جای حرف زدن، کار کند و پس از مذاکره کردن، از آن پرسیده شود می‌تواند واقعا روی زمین دولتی را اداره کرده و مشکلی را حل کند یا نه؟ شرایط کنونی دورانی است که در آن دیگر نه وزارت امور خارجه و محمدجواد ظریف، بلکه شهرداری تهران و نجفی و افشانی نماد آن خواهند بود. این به معنای تغییر ژنتیک سیاست داخلی در ایران است. فرزندان کدهای ژنتیکی جدید دیگر نمی‌توانند مشخصات گذشته را داشته باشند.